



نظریه انگلیسی «گرامر»

فصل اول: ضمیر موصولی:

- Who → انسان → نفس فاعلی
- Whom → انسان → مفعولی
- Which → غیر انسان → نفس فاعلی، مفعولی
- Whose → انسان / غیر انسان → بین نند مالکیت

ضمیر موصولی	کاربرد
Who	فعل + who + اسم انسان
Whom	فعل + فاعل + whom + اسم انسان
Which	فعل / فعل + فاعل + which + اسم غیر انسان
Whose	فعل / فعل + فاعل + اسم + whose + اسم غیر انسان
where	توضیح در مورد مکان
when	توضیح در مورد زمان



Date: \_\_\_\_\_

Subject: \_\_\_\_\_

\* ابتدایید کل کلمه که در صورت سوال دو فعل دارد باشند آن وقت به موصول اقتباس را  
 \* اگر مفعول را حذف کنیم هنوز جمله باقی مانده معنی می دهد:

A healthy diet that includes fruit and fiber will decrease risk

که حذف

A healthy diet will decrease --- معنی می دهد

نکته مهم: that اسم قبل از خود را فقط توصیف می کند  
which اسم یا عبارت قبل از خود را توصیف می کند

He deleted the picture, which upset me.

یعنی از عمل پاک شدن تصویر ناراحت شدم

نکته ۲: قبل از that هیچ وجهی توانم کار نداشته باشم

نکته ۳: قبل از that و who نمی توانم حرف اضافه داشته باشم

نکته ۴: اگر that و which نقش موصول فاعلی داشته باشند بعد از آن  
 فاعل نمی آید و مستقماً فعل می آید

نکته ۵: اگر از موصول what استفاده کنیم هم باید ضمیر مستقیم باشد

Raz



نکته اولی :

(Who/which/that) + to be + فعل + ing ⇒ فعل + ing

(who/ which/that) + فعل ربطی + فعل ⇒ فعل + ing

(Who / which / that) + to be + P.P ⇒ صفت سبقت

نکته ۶: اگر that, who, which نقش فاعلی دارند، بعد از اینها برای افعالی to be قرار ندهد، ما توانیم فعل موصولی و to be را حذف کنیم.

The desk ~~that is~~ next to you is for your glass.

نکته ۷: اگر ضمیر موصولی با نقش مفعولی در عبارات غیر موصولی دارد، ما توانیم فعل موصولی را به همراه آن حذف کنیم.

The people ~~whom~~ I was traveling with were excellent

نکته ۸ (مهم): اگر فعل اصلی فعل ربطی (فعل + حرف اضافه) است، حرف اضافه را همراه فعل موصولی قرار ندهد.

The chair <sup>on</sup> which you are sitting is very good

The chair on which you are sitting ...

Raz \_\_\_\_\_

Date:



Subject:

نکته 9: به جای when و where می توان از (on/in/at) which استفاده کرد

The time when I eat lunch is 12

The time at which I eat lunch is 12

نکته 10: اگر فاعل اسم در جمله باشد و در آن all of them ~~است~~ all of whom تبدیل کنیم

او her, his و داشتیم از whose استفاده می کنیم تا بدانیم که آن ها

The majority of her shares → The majority of whose shares

نکته 11: اگر بعد از اسم صفت الی ای غیر جانبدار داشتیم به جای of which استفاده کرد

She wrote a book of which I've forgotten the name.

نکته 12: یک بر صفت شود:

each of which, all of whom, a little of which, two of whom  
neither of whom, both of which, most of whom

drive from → تولید از جای ها:

Produce from → تولید از



### فصل نهم : فعل فزیا آن

زیا حال سازه : برای بیان کارها که به صورت تکرار و تکرار درآمده است در این  
 وقت از *every day, usually, always* استفاده می شود.

رای بیان مکانی طی وضعی  
 The earth goes around the sun

از شروع زیا به از این معنی شده صحبت کنیم  
 The class begins at 10

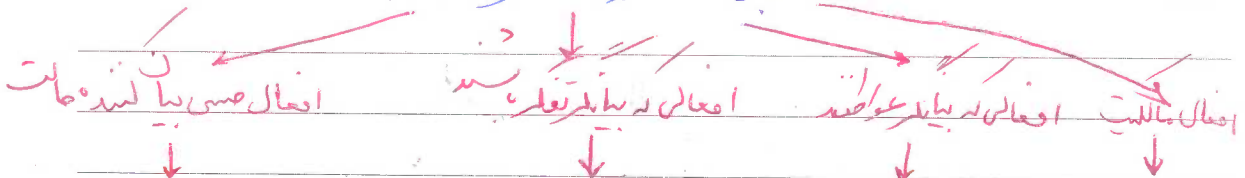
### زیا حال سازه استرایی

at the moment, this month, this week

برای افعال در زیا حال در حال رخ دادن است و شروع و  
 اتمام آن مهم است

I am training for the Olympics this year.

بعضی افعال در زیا استرایی به کار نمی روند



Smell

See

taste

hear

believe

consist

remember

mean

know

hate

like

love

want

belong

have

own

possess

Date:



Subject:

زبان حال کامل ← گذشته ای که شروع آن ناقص است

She has taken the test

گذشته شروع شده و در زبان حال ادامه دارد یا اثر آن در زبان حال دیده می شود

Peter has lived in Chicago for 10 years.

Since  
for

طرح ۲  
ریشه از یکبار گذشته شرح داده است

He has been this movie three times

(have/has) + been + فعل + ing

زبان حال کامل استمراری ←

برای تأکید بر مدت زمان طویل است که در گذشته شروع

شده و تا زبان حال نیز ادامه یافته است و زبان برای

گواهی بسیار مهم است

It has been raining all morning.

برای افعال teach, live, work از آن

زبان استفاده می شود.

زبان ۲  
برای با طرها در صورت استمراری آمده است

He was studying at 10 O'clock last night

گذشته ساده + when + گذشته استمراری

گذشته استمراری ←

He was sleeping when the phone rang

برای بیان در حال گذشته به طور غیرتوجهی در حال امر است

گذشته استمراری + while + گذشته استمراری

He was reading while I was writing my essay.

Date:



Subject:

زبان گذشته کامل ← برای گذشته و تا فرمود است

She had learnt English before she came here

الترتیب و تا فرمود بیان گذشته و تا فرمود

She learnt English before she came here

had + been + فعل + ing

گذشته کامل استمراری ←

الترتیب بیان انجام کار، گذشته و تا فرمود

She had been cleaning the house all morning

Will + be + فعل + ing

زبان آینده استمراری ←

At this time tomorrow, we will be taking the test

زبان آینده کامل ←  
قدیم ← (قدیم + آینده) (by + تاریخ) و (تاریخ + on) ، (طول زمان + in)

will + have + PP

By 12 o'clock we will have arrived there

will + have + been + فعل + ing

زبان آینده کامل استمراری ←

فوق آن، گذشته کامل آن است که در زبان گذشته کامل و فعل  
تاریخ معین تا آن وقت می شود اما در گذشته کامل  
استمراری متوقف شد و ادامه خواهد داشت

By the time we get home, I will have been driving for 4 hours

Raz

Date: \_\_\_\_\_



Subject: \_\_\_\_\_

have to, should, would, might, could ← **افعال ایضاً (Modals)**

Modal + to → افعال غیر ماضی در صورت

Modal + have + P.P → گذشته ای یا برای آینده

would → برای بیان کارهایی که در گذشته می‌شدند ولی

انجام نشده. در این حالت نوعی ارضاء و تمنا محسوب می‌شود.  
should → اظهار تمنا یا رضایت

**بنا بر فعل مجهول:**

بعضی از اینها در ساختار فعل مجهول به کار می‌روند. در آنها قابل استراری، زمان استراری

**اسم مصدر (Gerund):**

Verb + ing : اسم مصدر، معلول

being + PP : "مجهول"

اسم مصدر می‌تواند در جمله به صورت فاعل در ابتدا قرار گیرد. فعل توجه شود به معنی

**بعد از افعال زیر اسم مصدر داریم:**

admit - consider - avoid - keep - forgive - delay - deny - enjoy  
mention - miss - postpone - prevent - recommend - quit  
Suggest - understand - imagine - resist - mind

لکه اگر به معنی خلاصه است به از آن بار



Date:



Subject:

بعد از امتحان زیر اسم مصدر دائم :

Can't stand - Can't bear - have trouble - it's so good  
it's no use - look forward to - to get used to

بعد از افعال زیر مصدر دائم :

remind - choose - appear - agree - claim - come - demand  
ask - happen - forgot - learn - offer - prepare - fail  
proceed - prove - seem - remember - regret - take  
wait - refuse

بعد از افعال زیر مصدر دائم و هم اسم مصدری که قبل از برد :

advise - hate - agree - allow - begin - dislike -  
forget - leave - like - permit - plan - prefer - regret  
remember - try - stop - study - start

بعد از افعال زیر مصدر برین to این آورده شود :

had better - used to - would - would rather - let - make

used to + ( to مصدریون )

توجه

to be used to + ( مصدریون )

to get used to + ( مصدریون )

Raz

Date:



Subject:

نکته بسیار مهم: اگر فعل make در ساختار مجهول باشد پس از آن مصدر به کار  
مورد مصدر بدون to

I was made to study.

نکته بسیار مهم: بعد از فعل help می توانیم مصدر و مصدر به یون to استفاده کنیم

مصدر + صفت + to be +

نکته: الگوی طالب

↳ She was anxious to hear the results.



Date: \_\_\_\_\_



Subject: \_\_\_\_\_

### فصل سوم: صفت و قید

#### اسامی غیر قابل شمارش

air - money - milk - traffic - music - luggage - advice  
evidence - news - luck - honesty - transportation -  
- information - Signification - equipment

#### اسامی قابل شمارش

this - that  
(a) few - many  
a lot of  
Some - any - no  
fewer... than  
more ... than

#### اسامی غیر قابل شمارش

this - that  
(a) little - much  
a lot of  
Some - any - no  
less ... than  
more ... than

#### تفاوت a little, little / a few, few

little, few ← معنی بسیار کم به معنی کمی  
a little, a few ← معنی کمی و بهر حال مثبت

There are few students in the class.

یعنی این قدر تعداد دانش آموز کم است که می توان فرض کرد کسی نیست.

There are a few students in the class.

تعداد دانش آموز کم است اما این تعداد قابل قبول است.

Date:



Subject:

برای تاکید: اسم جمع + a few + (only/just)  
 اسم غیر قابل شمارش + a little + (only/just)

بفایده: Some, Any, No

Some: زمانی که مقدار دقیق برای ما اهمیت ندارد. (به معنی تعدادی)  
 Any: به معنی هیچ " " " " " " " "

✓ اگر بخواهیم یک شخص را تنبیه کنیم و آن را به طایفه اشخاص و اشیاء اطلاق دهیم از Any استفاده می کنیم.  
 Any child who breaks the rules will be punished

no: هر چند Any, no به معنی هیچ در حالت مثبت به کار می رود.

The: قبل از صفتها و قرن ها استفاده می شود the 1800s, the twenties  
 قبل از اسامی رده ها، آلات موسیقی، نام قابل The civil war

The امر قبل از صفت قرار می گیرد به مجموعه ای از افراد یا چیزی خاص اشاره می کند.  
 مانند: The unemployed (گروه بیچارگان)

نیاید قبل از اسم، قاره ها، کشورها، میاها، اسم، یاها استفاده می شود.  
~~The English~~ is a hard language.

از اسم به معنی کلی قرار می گیرد نیاید The استفاده می شود.

~~The health~~ is perhaps more important than wealth.

Date: \_\_\_\_\_



Subject: \_\_\_\_\_

صفت و چه در پاسخ به سوال what kind?

در اوستایی صفت قبل از اسم

صفت فاعلی : فعل + ing → interesting book

صفت مفعولی : صفت بعد فعل → amazed

قیده

در جواب سوال How?

قیده تکرار در جواب سوال How often?

قبل از فعل اصلی

اعراب، فعل، کلمه و to be

نکته: fast, hard, late ← هم صفت و قیده می آید است ← by می آید

↳ deep, high, near, early, right, straight, wrong, low

نکته 2: اگر صفت به by هم می آید برای قیده کردن از manner/way استفاده می کنیم.

ugly → in a ugly way

likely → in a likely way

ترتیب صفت ها و (قیده ها)

قیده + قیده + قیده + مفعول + فعل اصلی + قیده تکرار + فعل کلمه + فاعل

often, always

by + صفت

Raz

Date:



Subject:

مثلاً اسم ← a big book

صفت + فعل / فعل / موصی

remain, become, turn, appear, get, go, be: افعال / فعل

feel, taste, smell, sound, look: افعال موصی

اسم + اسم رئیس صفت

Car production costs

قید به هیچ عنوان نمی تواند قبل از این اسم بیاید

~~greatly pleasure~~

صفت + قید ← extremely difficult

صفت بعد از قید حالت من تواند صفت ماضی یا فعلی باشد

widely dispersed

widely dispersed

قید حالت

The + گروه اسمی (۱) + of + گروه اسمی (۲)

The wide range of different materials

در جمله معمولاً پس از از نیاز به گروه اسمی لازم

تفاوت like و as

زمانی که از like استفاده می شود، پس از آن اسم یا صفت قرار می گیرد اما در صورتی

که به همراه این اسم فعل قرار داشته باشد به عبارت دیگر در صورتی که

you play the guitar like the violin

you play the guitar as you do the violin

Raz

۱۲



Date: \_\_\_\_\_



Subject: \_\_\_\_\_

تکلیف طبعاً مهم و بعد از طاعت زیر آن دعا و بیگول باید

in contrast , however , in spite of that , nonetheless  
nevertheless

because + فعل + فعل  
because of / due to + گروه اسمی

تکلیف

تکلیف: ever since (از وقتی که) Since then, (از آن موقع به بعد) بی سرتوایی  
زمان در جمله اینها می آید

He's been depressed ever since he got divorced

از وقتی که طلاق گرفته ام شروع شده

تکلیف: after that, afterward (بعد از آن / پس از آن)

I will make some popcorn. After that, we will eat it.

Raz \_\_\_\_\_







طریقوں میں سے ایک طرف سے طرف دیگر

we are wet through ← بہ معنی (بہ طور کامل)

I could see her through the window ← بہ معنی دیکھنے کے لیے دراصل پنجرے

بہ معنی طول پیمائی و پیمائیں تک دوروں کی پیمائیں

through

بہ معنی ایک طرف سے طرف دیگر

There isn't a bridge across the road

بہ معنی (ان طرف)

across

next to / beside ← بہ معنی (دکنہ)

بہ معنی (دراپہ)

we are walking about the town

بہ معنی (درا طرف)

بہ معنی (در حدود)

about

لڑپن ↑

They were trembling with fear

بہ معنی (ت) ، (بہ وسیلہ)

بہ معنی (بہ علت ، از)

بہ معنی (در عین)

with

بہ معنی (در طرف ، در ساتھ)

بہ معنی (داخل)

within

بہ معنی (بہ اندازہ و در حدود)

Raz

Date: \_\_\_\_\_



Subject: \_\_\_\_\_

ناتمام: در ربط با به اضافه، موازی، عادت بود یعنی در دو طرف طرف به  
ساخته گرامری تکلیف است

and / but / or / nor / both ... and / as well as / not only ... but also  
neither ... nor ... / either ... or ... / whether ... or ...

He will leave at six and arrive at nine. ✓

نکته: حالت: در صورتی که فاعل جمله (فعل متعدی) باشد، مفرد و جمع بودن فعل تابع  
فاعل اصلی جمله است

Betty, as well as her parents, is going out of town.

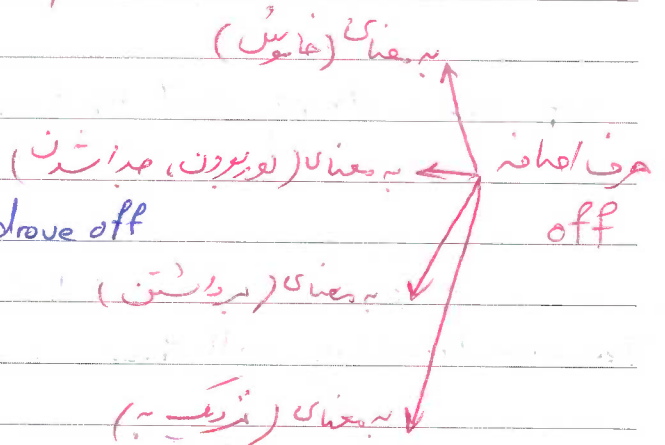
Neither the movie nor the play was good. (ساخته موازی)

The TV is off

He got into his car and drove off

Take your jacket off

It's an island off the east coast of Spain.



Date: \_\_\_\_\_



Subject: \_\_\_\_\_

on the grounds that → بران ایس نه اصله کلامه

at once → فوراً

Once upon a time → دوری دوری

based upon → بر ایس

by the way → صه

\* کلمه قبل inside, outside, upstairs, uptown یا نه حرف/کلمه قبل از صورت دارند.

She is upstairs in bed feeling ill.

او در صفا باله در عتقا است و اصله بیماری نه کنه

بمعنا (به وسیله)

By  
بمعنا (کناره)

She stood by the window

بمعنا (بوسیله)

I refuse to live by their rules

به همراه صها به تالیه وانعما سی به کار می رود

I went there by myself

برای نشان دادن طول زمان به کار می رود

By next week it should

Raz

Date:



Subject:

برای نشان دادن یک مقصد و هدف

To begin with, let's look at chapter 3.

TO

برای نشان دادن یک رابطه، پیوندی یا چیزی به کار می رود

The robbery may be linked to other crimes of violence.

We flew to Athens via Paris.

به معنی از طریق برای نشان دادن سفر از طریق یک مکان دیگر

we flew to Athens via Paris.

VIA

هنگامی که می فرود یا یک ابزار را برای اتصال استفاده کنیم

You can access our homepage via the internet.

اسمها و صیغه اول آن :

approval / example / awareness / hated / understanding ← of

reason / request / concern / desire / need ← for

participation / rise / difference / increase / decrease / success ← in

answer / invitation / reply ← to

مغفل ها و صوف افسانه ؟

account for / laugh at / lead to / apply for / depend on  
believe in / belong to / Plan on / result in / end in  
die of / surprised at / Smile at / Stem from / study for

صفت ها و صوف اهلانه ؟

nervous / excited / annoyed / angry ← about

excited / good / expert / clever / hopeless / angry ← at

Surprised / amazed / Shocked ← at/by

well known / Famous / notorious <sup>بدنام</sup> / necessary ← for

full / suspicious <sup>بدگمان</sup> / fond <sup>میل</sup> / Conscious <sup>آگاه</sup> / Capable <sup>توانا</sup> / aware ← of

related / opposed / identical ← to

disappointed <sup>مردود</sup> / Satisfied <sup>راضی</sup> / bored <sup>سخت</sup> / annoyed / angry ← with  
happy / pleased

Keen ← on  
مشتاق

لازم می دانم از جناب آقای مهندس غفاری بابت اسکن  
خلاصه این درس تشکر ویژه و صمیمانه داشته باشم

**اگر این جزوه نقشی در موفقیت شما در  
کنکور کارشناسی ارشد و دکتری داشت،**

**لطفا ما را از دعای خیر خود**

**بی نصیب نگذارید.**

**با تشکر**

**مصطفی رحیمی**

**nce.rahimi@yahoo.com**